

عنوان مقاله:

واکاوی نگاهت مرکزی استعاره های مفهومی و طرح واره های تصویری واژه های «آب» و «آتش» در ضرب المثل های برآمده از ادب فارسی

محل انتشار:

دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی، دوره 29، شماره 90 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسندگان:

علیرضا آرمان - Hakim Sabzevari University

مهیار علوی مقدم - Hakim Sabzevari University

علی تسنیمی - Hakim Sabzevari University

محمود الیاسی - Hakim Sabzevari University

خلاصه مقاله:

زبان شناسانی مانند جورج لیکاف و مارک جانسون، برخلاف نگرش بلاغت سنتی که برای استعاره معنایی صرفا بلاغی و زیباشناختی قائل بودند و آن را پدیده ای صرفا زبانی می دانستند، استعاره را دارای ماهیتی ادراکی و مفهومی می دانند. این نگاه به استعاره در چارچوب معناشناسی شناختی جای می گیرد که در آن، معنا برپایه ساخت های مفهومی قرار دارد و همانند حوزه های شناختی دیگر، مقولاتی ذهنی را باز می نمایند. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی تحلیلی، به واکاوی استعاره های مفهومی و طرح واره های تصویری در ضرب المثل ها می پردازد. عشق، زندگی، علم، ناتوانی، خواری، دنیا و فروتنی ازجمله نگاهت های مفاهیم مثبت و منفی در استعاره های مفهومی در ضرب المثل های برآمده از متون ادبی است. در این میان، «آب» و «آتش» از واژه هایی هستند که در ضرب المثل های فارسی و دیوان شاعران و نثر نویسندگان پیشین و معاصر، برای نمایاندن ساحت های مادی و معنوی استفاده شده است. نتیجه این پژوهش، حاکی است که نگاهت اصلی در مفهوم استعاری ضرب المثل های متکی بر واژه «آتش»، ویرانگری است که با بسامد ۴۲ بار تکرار شده است. نگاهت اصلی در استعاره مفهومی ضرب المثل های متکی بر واژه «آب» به صورت طرح واره فضایی (جابه جایی) است که با بسامد ۱۸ بار تکرار شده است. این امر، نشان دهنده نگاهت مرکزی واژه «آب» و چرخش و عدم ثبات آن است. به طور کلی، شاعران و نویسندگان، با وام گیری این نگاهت ها، مضامینی خلق کرده اند که همواره شنونده را مشتاق نگاه می دارد و در ترویج ضرب المثل ها نقش داشته اند.

کلمات کلیدی:

Proverb, Central Mapping, Conceptual Metaphor, Schema, Water, Fire

ضرب المثل، نگاهت مرکزی، استعاره مفهومی، طرح واره، آب، آتش

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1283323>

